

نقد کتاب

جنگ

هیچ می‌دانستی ؟ از : محمدرضا داوری .
 سه شعر از : آلیسیا گراگوسیان ، چشم در راه است . . . از : شهاب شهیدی ،
 یک شعر از : بهروز موراسرافیل ، برتراند راسل (تئوسوف شخصیت) و مصاحبه‌ای با او ،
 تبندن زن و فوکس ،
 شعر در سپینا : سخنرانی لویی بونوئل ، طرحی از : داود شهیدی ،
 پیکاسو می‌گوید :
 چگونه می‌توان یک ناترملی داشت : دکتر یازن ،
 «هنر تئاتر، تجلی‌گاه واقعیات زمانه» از : جعفر والی ،
 و ، کتابهایی که خوانده‌ایم .

دفتر هشتم جنگ در شهر یورماه گذشته منتشر شد . در این شماره علاوه بر مقاله «ایهام و ایجاز» ، شعرهایی از آقایان احمد رضا احدی ، مجید نفیسی ، محمدرضا فشاھی ، محمدرضا شیروانی ، م . ع . سیانو و محمد حقوقی درج شده است و داستانی کوتاه از آقایان محمد کلباسی ، رضا فرخ‌فال ، یونس تراکمه ، هرمز شهدادی ، برهان حسینی و هوشنگ گلشیری .

داستان «پیرمرد بر سر پل» از ارنست همینگوی و نقدی که ادونالد فولر بر این داستان نوشته ، همچنین «شرل» اثر «وست برنت» همراه با نقد ادوارد براین ، از دیگر مطالب این شماره است .
 اما بهمان خصوصی این شماره «جنگ» «خورخه لوئیس بورخس» شاعر و نویسنده آرژانتینی است .
 عناصری های سزار مورنو و ریچارد برگین با بورخس به تلاوه چند قطعه کوتاه وده شعر بورخس در این شماره «جنگ» به خوانندگان عرضه شده‌است .

صیادان
 نوشته اکبر رادی
 از انتشارات زمان
 به ۶۰ ریال

زمینه اجتماعی «صیادان» آخرین نمایشنامه چاپ شده اکبر رادی ، از کفایتها و امکانات لازم برای خلق یک اثر هنری برخوردار است . شرایط نامناسب زندگی و کار ، فقر و درماندگیهای صیادان ، ناتوانی آنان از درک موقعیت خود و آسوده و راحت فریب خوردنشان زمینه مناسبی است برای شکل دادن به محتوایی پر خون ، سرشار ، نینده و زنده . گفتم زمینه مناسب و فقط همین ، زیرا که اثر هنری بدینجا ختم نمی‌شود ، از اینجا آغاز می‌شود . مثل زمین بارور و بذرگراشتندری که محتاج مهارت ، مواظبت ، انتظار و حراست دستی است که بکارد ، آب‌دهد ، برویاند ، و چین کند تا گیاه را به کمال گیاهی خود نایل سازد . آیا اکبر رادی در چنان زمینه مساعدی به کمالی که انتظار می‌رود ، دست یافته است ؟ به نمایشنامه مراجعه کنیم :



صیادان

.....



و با این همه جدا افتاده از همدیگرند. و دوم بیرونی و جمعی ؛ پیجوتی ارتباط این فقر و جدائی با «مؤسسه» ای که در انبارش تا دلت بخواد ماهی ریخته .

مؤسسه .

زمان : فردای شبی که بیوک نتوانست ماهی بخرد .

پس از گریز بسیار کوتاهی به طوفانی بودن هوا در شب گذشته ... بیوک از رختکن بیرون آمده ، زیر نگاه سخت افراد گوشه‌ای می‌نشیند .

حاجی گل : لامب انگار از سفر قندهار برگشته .

نی : نگاه جی خودشو گرفته .

نجف : آخه شازده خیلی نخیم دو زرده می‌کنه .

جمال : سر به سرش نذارین بابا غریبه .

.....

.....

بیوک با لبخندی حاکی از ... سپس متوجه فضای نامأنوس اطرافش می‌شود .

.....

نجف : اون امشب یه چیزش می‌ته . خوب نگاش کنین ...

صالح : آره ، منم امروز یه بند تو نخش بودم . به نظرم یه دسته‌گلی به آب داده .

ناز آقا : دسته‌گلی به آب داده ؟ چطور ؟

یعقوب : صبح کن ، همین حالاته و

« صیادان » بدیهی است که می‌باید در مسیر این دو متوازی که وجود هر یک علت و همچنین معلول دیگری است و فهم این بی‌دانستن آن مشکل و شاید غیر ممکن می‌باشد.

حرکت می‌کرد که نکرده است . اکبر رادی در نمایشنامه خود اصولاً به آدمها نزدیک نشده - که یا

نخواستند و یا نتوانسته - آنها را از دور نگریسته است . دورتر از

آن که بتوان آنها را شناخت و به انگیزه رفتارشان پی برد . بهمین

جهت « صیادان » شده است مثل فیلمی که از « لانگ شانهای » پی‌در پی تشکیل شده . با وجود این

کمبود ، با اندکی غمض عین میتوان این چنین تصور کرد که اکبر رادی

آگاهانه از شخصیتها و فردیتها فاصله گرفته است تا آنان را در

زمینه‌ای عمومی تر و در ارتباطشان با یکدیگر واضحتر نشان دهد و

بشناساند . به عبارت دیگر آنچه که مورد نظر نمایشنامه نویس است محیط

انسانی است نه فرد انسان . در این صورت ، خلق محیط و فضای انسانی

با پلانهای متعددی که لازمه این محیط و فضا است ، ضرورت بیشتری

پیدا می‌کند . میدانیم که این امر نه چندان آسانست و به استعداد

در صحنه افتتاحیه ، صیادی (بیوک) می‌خواهد ماهی سفیدی بخرد که وجه آن را به تمامی ندارد.

ماهی فروش از او ضامن می‌خواهد. در این هنگام صیاد دیگری (یعقوب)

سرمیرسد که با لحن دشمنانه‌ای از ضمانت او خودداری میکند با این

دلیل که « ... وقتی آدم تنونه بخره ، میره میدزده . انبار

مؤسسه م که این پشته . » خصوصاً که « ... اونجا تا دلت بخواد ،

ماهی ریخته . صندوق زده ، آماده ... » - صحنه ۱۰ .

بر مبنای این صحنه می‌توان دو زاویه دید یا دقیقتر بگویم دومسیر

مشخص انتخاب کرد : اول درونی و فردی . منظورم کاوش درونی

صیادانی است که این چنین فقر زده

رنگ و زندگی - - صحنه ۱۰

توش درمی آد . (بی آید وسط صحنه .)
خب بولداش، دیشب تونستی بخاری
نشون بدی یا نه ؟

بیوک : من - من کاری نکردم .
یعقوب : شفتین ؟ کاری نکرده !
حکایت اون چماق و گربه دزده س .
بس معلوم میشه همچی بفهمی نهی
بندرو آب دادی .

بیوک : من - به خدا قسمی ندارم .
یعقوب : بفرما ، اینم ته و توش !
اون انبارو زده .

در برابر نگاه مبهور جمع
می رود کنار . . . « - صفحه ۱۳
و ۱۴ - این قسمت از صحنه دوم را
تقریباً به تمام آوردم تا نشان دهم
که توطئه ای که در صحنه افتتاحیه
بوسیله یعقوب طرح ریزی شده بود
و بیوک چه آسان بدام آن افتاده
بود ، چگونه بی آنکه گسترش یابد
در همان بدو امر خفه می شود و
تأثیر و ارزش دراماتیک خود را
از دست میدهد ؛ نخست اشاره به
طوفانی بودن هوا در شب گذشته .
اکبر رادی با این اشاره کلیشه ای
و قراردادی بسیار مستعمل می خواهد
زمینه را برای ایجاد دلهره و هیجان
آماده سازد . در این هنگام بیوک
را « زیر نگاه سخت افراد » بر صحنه
می آورد و بلافاصله در دهان همه
صیادان جملاتی را که خواندید ،
می گذارد . مقصود نویسنده لابد
تشدید آن دلهره و هیجانی است
که زمینه آن را به تصور خود
قبلاً آماده کرده بود . اما مثل کسی

که می خواهد دستهایش را حفظ
کبریت تازه روشن شده ای کند تا
آن را کاملتر بگیرد ولی دستهایش
را آندر به شعله نزدیک می کند
که سب خاموش شدنش می شود ،
با شتاب زدگی از گسترش طبیعی
دلهره و بالطبع خلق فضائی انسانی
ممانعت بعمل می آورد . ممکنست
پرسیده شود که مقصود از ایجاد
فضائی انسانی در این مورد بخصوص
چیست ؟ پاسخ می دهم : هر حادثه
بنابر شدت و ضعف آثاری که از خود
بروز می دهد در هر محیط یا فضای
انسانی که قاعدتاً از آدمهای مختلف
با درجات گوناگون هوش و دقت
و حساسیت تشکیل شده ، بنحو
خاصی نفوذ می کند و گسترش
می یابد . مثلاً در صورتی که بیوک
در شب گذشته بجای دزدیدن یک
ماهی از انبار مؤسسه ، صیادی را
کشته بود ، طبیعی بود که صبح
فردای آن روز مشغله ذهنی همه
صیادان ، موضوع قتل باشد چرا که
این امر چیزی نیست که در اغلب
موارد فوراً از پرده برون نیفتد
و همچنین طبیعی بود که بیوک
آنچنان ناراحت و مشتوش باشد که
از دور داد بزند که دسته گلی به آب
داده است . و اما آیا حادثه ای چون
دزدی یک ماهی در محیط صیادان
دریاچه شمالی ایران (که هم آقای
اکبر رادی آن را می شناسد و هم
ما) همین پروازات روحی را خواهد
داشت ؟ البته واضح است که آقای

رادی می تواند در نوشتنداش محیط
را ، حتی هنگامی که آن را تقریباً
مشخص کرده ، نه در چهارچوب
واقعتهای خارجی بلکه آنچنان
که خود می خواهد ، فرض کند .
در « صیادان » نیز پوشیده نیست که
اگر نویسنده برای دزدی یک عدد
ماهی از انبار شرکت این همه اهمیت
قائل شده منظورش اذتاء محیط
وحشت و دلهره آوری است که
ایشان بی رحم و بی گذشت است .
همین جا بگویم که من بر این « فرض »
حرفها دارم اما قبل از گفتن آنها
باید سخن قبلی ام را تمام کنم :
بپذیرفتیم که در منطبق نمایشنامه آقای
رادی دزدی یک ماهی می تواند
اثراتی چون قتل یک آدم داشته باشد
با این وجود مسئله گسترش هنری
آن اثرات هنوز باقی است . اکبر
رادی می باید چگونگی نشر حادثه
را در فضای انسانی زندگی صیادان
« می ساخت » و بی استفاده از کلمات
« نشان می داد » که چگونه اذهان
آنان متوجه این امر شده است . اما
او این چگونگی را نشان نداده
زیرا که قید فضا را زده است و
خیلی راحت در میزانشن نوشته است :
« بیوک از رختکن بیرون آمده ،
زیر نگاه سخت افراد ... » - صفحه
۱۳ - و بقیه قضایا که یعنی انتقال
معنی با استفاده از « حرف » در حالی
که هنر ، خلق و بازسازی فضائی
است که حرف هنرمند را از طریق
ساختمان خود - فقط از همین

نمونه‌ای که از ناتوانی نویسنده در خلق فضا ذکر شد فقط اولین نمونه بود نه مهم‌ترین و چشمگیرترین آن . سراسر نمایشنامه اگر بهمین ترتیب تجزیه و تحلیل شود حتی به اندازه دو آجر به « ساختمان هنری » بر نمی‌خورد تا دل‌تان را خوش کنید به این پندار که اگر نویسنده فلان جا و فلان جای اثر خود را با « حرف » برگزیده برای رسیدن به این دو آجر « ساختمان » بوده است . بنابراین در مورد ساختمان نمایشنامه مطلب دیگری باقی نمی‌ماند که گفته شود و همین نیز که گفته شد برای آن بود که نشان داده شود که « صیادان » اصولاً فاقد ساختمان هنری است . و اما حرف‌هایم در مورد محیط « فرضی » نویسنده . قبلاً بگویم که اگر به کلمه « فرضی » تکیه می‌کنم بیش از هر چیز ناظر به ماجرای اصلی نمایشنامه هستم که بطور خلاصه چنین است : آقای « رامیار » صاحب مؤسسه « رام » - می‌بینید که حتی اسامی هم چند بر حرف‌ند باشگاهی ورزشی تشکیل می‌دهد گویا به دو منظور : اول نیرومند شدن صیادان برای آنکه بهتر بتوانند کار کنند و بهره بدهند و دوم دامن زدن به جاه طلبی‌های صیادان و اختلاف انداختن میان آنان و سرگرم - شدنشان به این اختلاف و خود با استفاده از این موقعیت ، توسعه یافتن

در ابتدای مقاله گفتیم که زمینه اجتماعی « صیادان » از کفایتها و امکانات لازم برای خلق یک اثر هنری برخوردار است . در اینجا می‌گویم که آقای رادی از این زمینه که آن‌را هوشمندانه انتخاب کرده ، استفاده کامل نکرده است . او که می‌توانست با استفاده از منطقی و دینی واقع‌گرایانه که متناسب این مقام است به خلق نمایشنامه‌ای سرشار از محتوی توفیق یابد ، از مسیری که در محنت افتتاحیه بخوبی آغاز کرده بود ، بپهلو خارج می‌شود و به پیروی از سمبولیسم آیکی ، بد فهمیده شده و قراردادی نثار سالهای اخیر ایران به‌نمادهائی توسل می‌جوید که همچون وصله‌هائی ناجور از نفوذ در عمق ماجرا عاجز میمانند و بهمین جهت نمی‌توانند در کل اثر ، آن مفهومی را که مورد نظر نویسنده است ، منتشر سازند . مثلاً همین باشگاه ورزشی که فن واقعاً تعجب می‌کند که آقای رادی که قطعاً نویسنده باهوش و فراستی است چگونه بخود اجازه داده است که برای آن ، چنین ابعاد و مفهومی در نظر بگیرد . و اصولاً چرا باشگاه ورزشی ؟ آن هم وقتی که زمینه نمایشنامه‌ات - زندگی صیادان را می‌گویم - این همه بارور است که تو حتی اگر شرح تاریخی بیطرفانه‌ای - تاجه برسد به بازسازی هنری - از آن بدست

میدادی چه بسیار حرف‌ها و سخن‌ها که نگفته بودی . نکته جالب این که آقای اکبر رادی خودش می‌دانسته است که باشگاه ورزشی مؤسسه رام نمی‌توانسته چنان غول بی‌شاخ و دمی باشد که او انتظار داشته‌است که باشد . اینست که چاره کار را در این اندیشیده است که در میزانش بنویسد : « . . . و سائل ورزش بیشتر به آلات شکنجه می‌ماند . افراد جوری ورزش می‌کنند ، که گوئی مشغول انجام اعمال شاقه‌اند . . . » - صفحه ۵۵ - که یعنی استرحام از خواننده و تماشاگر نمایشنامه که لطف کنید و بپذیرید که این باشگاه ورزشی چیز بدی است و من نویسنده دارم حرف‌های گنده‌ای می‌زنم .

در آخرین صحنه نمایشنامه از مجسمه آقای رامیار در صیدگاه برده برداری می‌کنند . آنچنانکه نویسنده خواسته است : « . . . در این لحظه ، مجسمه با لبخندی - که به گوشه‌ی لبش نشسته - آهسته باد می‌کند ، باد می‌کند ، باد می‌کند . و تمام صحنه را فرا می‌گیرد . . . » - صفحه ۱۴۳ و ۱۴۴ - اگر باد کردن مجسمه آقای رامیار با منطقی نداری نمایشنامه چندان تناسبی نداشته باشد حداقل رساننده این معنی هست که آقای اکبر رادی زمین باروری را عاطل گذاشته و فقط بر آن بادکنک - یعنی باد - کاشته است .



مجموعه سخن پارسی

گزیده تاریخ بیهقی (متن فارسی
از قرن پنجم هجری)
نوشته ابوالفضل محمد بن حسین
بیهقی

به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی
۱۹۶ + سی و یک صفحه قطع رقعی
سیاستنامه (سیرالملوک) (متن
فارسی از قرن پنجم هجری)

نوشته ابوعلی حسن بن علی بلقب
به نظام الملک طوسی
به کوشش دکتر جعفر شعار
۴۳۹ + بیست و یک صفحه قطع رقعی

شرکت سهامی کتابهای جیبی شر
مجموعه‌ای به نام «سخن پارسی» را
آغاز کرده است. تاکنون دو کتاب
گزیده تاریخ بیهقی و سیاستنامه از این
مجموعه به بازار آمده است.

ادب فارسی عرصه زیباترین و
والاثرین جلوه‌های اندیشه و ذوق نه
تنها ایرانی بلکه شرقی و اسلامی است.

خوشبختانه زبان فارسی از هزار سال
باز دستخوش آنگنان از هم‌گسیختگی
یا دگرگونی نشده است که مثل امروز
از متون قدیم یکسره بیگانه بماند.
با اینهمه، آثار منظوم و منثور فارسی
با غباری کم‌ساییش غلیظ کدورت
پذیرفته، این غبار باید برگرفته‌شود تا
درخشش خیره‌کننده آن آثار باز
گردد.

بسیاری از رموز و نکات شاهکار-
هاب ادب فارسی بر نوجوانان دبستانی
و دبیرستانی که سهل است بردانشجویان
دانشگاه از جمله آنان که در رشته
ادبی درس می‌خوانند یا معلمانی که
در این رشته درس می‌دهند پوشیده‌است.
مراجعه مستمر به استادان اهل فن نیز
برای حل مشکل عملاً امکان ندارد.
نتیجه آن شده است که رغبت به خواندن
این شاهکارها رشته رشته کاهش یافته
و ادب توانگر فارسی حریف ادیبان
حرفه‌ای شده است.

کوششهایی که ادب دوستان و
بعضی ناشران برای برانگیختن علاقه
نسل جوان به کار می‌برند مقنن است،
اما حداکثر می‌تواند تکان اول‌را بدهد
و جوانان را وادارد که در پی سیراب
شدن از برجسته‌های ذوق و معرفت
به سراغ متون ادبی بروند. لیکن
آنچه به آنها عرضه می‌شود عموماً
در همان نخستین گامها مایه ملال و
تومییدی است. غالباً چنین است که
جوانان حتی عبارات و ابیات را
نمی‌توانند درست بخوانند، چه برسد
به آن که بفهمند و به نکات باریک و
لظایف آن پی‌برند. هرمتنی به شیوه‌ای
عرضه شده و در تنظیم متون بیشتر به
نیازمندیها و توقعات اهل تحقیق و
خواص و استادان فن توجه شده است.
در بهترین این کارها متن معتبر است،
نسخه بدل یاد شده، برخی عبارات و

اشعار عربی معنی شده و حواشی و
تعلیقاتی افزوده شده است که به
احتیاجات جوانان هنردوست کمتر
پاسخ می‌گوید. دشواریهای اساسی
اکثراً به حال خود باقی است، حتی
در نقل متن از رسم‌الخط معینی پیروی
نشده، علامات فصل و وصل و قوامیل
کلمات طوری نیست که به درست
خواندن متن کمک‌کند و به هرگام
لغزشگاهی هست که تنها اهل فن
می‌توانند از آنها به سلامت بگذرند.
تاکنون دسته و گریخته اندکی
از شاهکارهای ادب فارسی با توضیحات
کافی نشر شده، که یکی از بهترین
نمونه‌های آن **کلیله و دمنه**، به تصحیح
استاد مینوی است. ولی نشر چنین
متونی پدیده‌ای تصادفی بوده و سلسله
مشخص و پیگیری نداشته و غالباً کار
در سطحی انجام گرفته که چندان دردی
از جوانان دوا نمی‌کرده است.

هنوز که هنوز است، شاهکار-
های مسلمی چون شاهنامه، قصایدخاقانی،
مثنوی، بوستان، غزلیات حافظ با
شرح و تفسیر و توضیحات کافی در
دسترس جوانان ما نیست، و نیز در
دسترس دبیران ما هم نیست که برای
درس دادن بتوانند از آنها استفاده
کنند.

باری، جوانان در فهم متون
قدیم فارسی با موانع و مشکلات زیادی
روبرو می‌شوند. در متون تصحیفها
و تصرفات زیادی شده، ساختمان
دستوری زبان فرق کرده، معانی برخی
از واژه‌ها و ترکیبات تحول یافته،
واژه‌های دری و کلمات و عبارات
مهجور و نامأنوس در آنها فراوان است،
چه با اشعار و پاره‌هایی که تمام به
زبان عربی لایلائی متن جا گرفته است.
تعبیرات کتابی غالباً به شرح و تفسیر
نیاز دارد. برخی از گویندگان

تعبیرات و اصطلاحات خاص خود دارند که نباید در نزد هیچ گوینده یا نویسنده دیگر بتوان یافت. گذشتند از همه اینها ادب فارسی یا اساطیر و فرهنگ باستانی و آئین و معارف اسلامی پیوستگی نزدیک دارد و متون ادبی آکنده است از امثال، اشارات اساطیری و تاریخی و اصطلاحات علمی، فلسفی، دینی و عرفانی. مرجع جامع واحدی هم نیست که برای حل این پیچیدگیها بتوان با آن شور کرد.

عامل مهم دیگری که برای جلب رغبت جوانان به متون قدیم مؤثر تواند بود این است که ارزشهای انسانی و هنری این آثار به آنان شناسانده و معیارهایی برای سنجش آرج آنها به دست داده شود و معلوم گردد که آن اثر در تاریخ ادب فارسی چه مقامی دارد، آبخشورش کجا بوده و چه نهالهایی را آبیاری کرده است.

در دو کتابی که مورد بحث است، متون گاه تماماً و گاه به صورت منتخب از روی نسخ چاپی و احياناً خطی معشر به رسم الخط مقبول امروزی نقل شده است. عبارات پیچیده توضیح داده شده و معنی ترکیبات و استعمالات مهجور قدیم ذکر شده. توجه خواننده به قالبهای دستوری نامألوف یا معانی متروک کلمات جلب گردیده. و از نامه و حواشی و تعلیقاتی در شرح اعلام و اصطلاحات فنی افزوده شده و عبارات و اشعار تازی به فارسی درآمده است. نخستین کتاب «مجموعه پاری» تاریخ بیهقی، از شاهکارهای تاریخنویسی و نثر دوره غزنوی، است. نویسنده آن، ابوالفضل بیهقی، در حدود هزار سال پیش میزیسته و خود در دستگاه آل سبکتکین دبیر و سپس

رئیس دیوان رسالت بوده و بسیاری از وقایع تاریخی آن عهد را به چشم دیده و از رموز و خیابای امور ملک با خبر بوده است.

وی در حدود سالهای ۴۵۰ و ۴۵۱، تعلیقهها و یادداشتهایی را که علی سائلهای مشادی خدمت دیوانی خود تهیه کرده بود به صورت کتابی به نام تاریخ آل سبکتکین درآورد، بخشی از آن کتاب که به دست ما رسیده تاریخ سعودی است و به تاریخ بیهقی شهرت دارد.

اثر بیهقی تاریخی است پس معتبر و موثق، و نویسنده آن دبیریست چیره دست و مورخی محقق و منصف و منقد.

اشنای کتاب سیر تطور نثر فارسی را از سادگی به سوی شرفی نشان می دهد. زبان بیهقی گرم است و زنده و با شکوه. مجلس نازی و توصیف و استعاره های ملایم و زودبای به آن لطف شاعرانه بخشیده است.

تاریخ بیهقی قطعه هایی دارد که از حیث بلاغت سخاوتمندی زبان فارسی است. در تاریخ بیهقی بسیاری از مراسم اجتماعی و دیوانی، جشنها و اعیان ملی و مذهبی، شکار و شرابخواری پندیده شدن فرستاده خلفیه وصف شده است.

نویسنده در چهره بردازی استاد است و خواننده را نه با منتی نامها و القاب بلکه با افرادی زنده و جاندار و طبایع و منشها و سجایا و صفات انسانی روبرو می کند.

این جمله، به کتاب ارزش ادبی ممتازی بخشیده و آن را از صورت یک تاریخ خشک و بیروح درآورده و در زمره شاهکارهای مسلم نثر فارسی درآورده است.

کتاب دوم از مجموعه، سیاستنامه است منسوب به خواجه نظام الملک، وزیر پرکفایت الب ارسلان و سلطان ملکشاه سلجوقی.

وی نزدیک سی سال بر مستوزارت تکیه زده بود و بر قلمروی پهناور از حلب تا کاشغر فرمان می رانده است. سیاستنامه از آیین ملکداری و سیر پادشاهان و بزرگان گفتگومی کند و فصول آخر آن به احوال باطنیان و قرقمطیان و خرمدینان اختصاص یافته است.

در این کتاب سیاست کنشورداری از جهت قضا و حسبیت و کیفیت کار منهبیان و مشرفان (مأموران اطلاعات و بازرسی)، ترتیبات فرستادن جاسوسان و پیکها و رسولان، طرز سدور قرامین و مثالها، چگونه کار حرس (نگهبانی)، رسم جزا و پاداش، شیوه بررسی رفتار اقطاع داران، تشریفات درباری، آیین لشکرکشی، مجالس بزم و نشاط شراب بررسی و احوال حرم و خدمه، و خلاصه آنچه به کار ملک و دربار و رعیت باز بسته است نشان داده شده است.

سیاستنامه، به قول مؤلف آن، هم پند است و هم حکمت و هم مثل و هم تفسیر قرآن و اخبار پیغمبر و قصص انبیا و سیر و حکایات پادشاهان عادل. از گذشتگان خبر است و از ماندگان سیر است و با این همه درازی مختصر! سیاستنامه از نمونه های برجسته نثر فارسی به شمار می رود که پس از نزدیک به هزار سال برای خواننده فارسی زبان مانوس و مفهوم و دلپذیر مانده است.

فروغ